

## نمونه رای اثبات رجوع از طلاق

دادنامه شماره ۷۴۶ - ۹۱/۵/۳۱ صادره از شعبه ۲۶۱ دادگاه عمومی تهران

در خصوص دادخواست خانم ف.م. به طرفیت آقای م.ی. با وکالت آقای م.ه. به خواسته اثبات رجوع. با عنایت به دادخواست تقدیمی و مدارک و مستندات ابرازی خواهان و با توجه به اظهارات مشارالیهها و دفاعیات خوانده، ماحصل اظهارات خواهان که در جلسات رسیدگی بیان نموده، به این شرح است که در تاریخ ۸۸/۸/۱۰ از خوانده طلاق گرفتم. یک هفته بعد از طلاق در منزل دوستم بودم. پس از آن با خوانده صحبت کردم و توافق برای ادامه زندگی مشترک نمودیم و متعاقب آن به منزل مشترک برگشتیم و تا الان هم در منزل ایشان هستم و بارها با یکدیگر روابط زناشویی در طی دو سال گذشته داشته‌ایم، تقاضای صدور حکم بر اثبات رجوع دارم. خوانده نیز به طور خلاصه بیان داشته ایشان تا ۸ ماه بعد از طلاق در منزل نبود پس از آن جهت ملاقات فرزند می‌آمد و اکثر روزها در آنجا می‌ماند و حتی بعضی از شبها هم در منزل من می‌خوابید. ما رجوعی به یکدیگر نداشتیم و روابط زناشویی نیز پس از طلاق برقرار نکرده‌ایم، تقاضای رد دعوی طلاق دارم. به نظر دادگاه آنچه که مسلم و محرز شده اینکه خواهان پس از وقوع طلاق مدت طولانی در منزل خوانده زندگی کرده است. شهود اقامه شده از طرف مشارالیهها بر صحت این موضوع شهادت داده‌اند. تحقیقات محلی به عمل آمده نیز حاکی از تأیید اظهارات خواهان دارد، حتی خوانده نیز شخصاً زندگی کردن خواهان در منزل خوانده را نه تنها رد نکرده، بلکه مورد پذیرش قرار داده و آن را تأیید کرده است برقراری ارتباط خاص جنسی در طی مدتی که خواهان پس از وقوع طلاق در منزل خوانده زندگی کرده است اگر چه به طور قطع و یقین از نظر دادگاه اثبات نشده، لیکن بسیار محتمل بوده است. ولی با وجود این تمام مراتب ذکر شده برای اثبات رجوع کفایت نمی‌کنند زیرا طلاق واقع شده فی‌مابین طرفین از نوع خلع بوده است و صرف تصمیم طرفین به ادامه زندگی مشترک و حضور خواهان در منزل خوانده ولو به مدت طولانی و حتی برقراری روابط جنسی فی‌نفسه برای وقوع رجوع به نحو شرعی کافی نیستند. بلکه آنچه که در رجوع طرفین به یکدیگر اهمیت داشته و می‌بایست مراعات می‌شده این است که ابتدا خواهان می‌بایست به مهریه رجوع می‌کرده، در این صورت طلاق که در واقع به صورت خلع واقع شده، به طلاق رجعی تبدیل گردیده و خوانده هم به لحاظ ایجاد حق رجوع می‌توانسته به خواهان رجوع نماید که در این صورت طلاق فی‌مابین باطل و شرعاً رابطه زوجیت مجدد بین طرفین برقرار می‌گردید. در حالی که در مانحن فیه خواهان صراحتاً بیان داشته پس از طلاق با خواهان توافق در ادامه زندگی کردیم و اصلاً راجع به مهریه صحبتی نشد. به این معنا که نه من صحبتی از مهریه کردم و نه خوانده حرفی راجع به مهریه زد و پس از توافق به منزل ایشان رفتم و با هم زندگی را از نو شروع کردیم. بنابراین با توجه به اینکه اساساً خواهان به ما بذل رجوع نکرده است خوانده نیز شرعاً نمی‌توانسته به خواهان رجوع کند در نتیجه زوجیتی بین طرفین برقرار نشده و نامبردگان خارج از زوجیت شرعی مدتی با یکدیگر زندگی کرده‌اند و حتی برقراری روابط خاص جنسی احتمالی هم علقه زوجیت برای آنان ایجاد نکرده است. علی‌هذا نظر به مراتب مذکوره، دادگاه دعوی خواهان را غیر ثابت تشخیص داده حکم به رد دعوی خانم ف.م. صادر و اعلام می‌دارد. این رأی حضوری بوده ظرف بیست روز قابل اعتراض در محاکم تجدید نظر مرکز استان تهران می‌باشد.

رئیس شعبه ۲۶۱ دادگاه عمومی خانواده تهران - اقدم